

Koran's Symbolization in The Story of Noah (PBUH)

Davud Memari*

Maryam Qulipur**

(Received: 2019-11-23; Accepted: 2019-11-26)

Abstract

In the story of Noah (PBUH) as one of its most salutary stories Koran clearly illustrates the opposition between the right and wrong, depicting, modeling and conducting symbolization for the posterity of significant and outstanding characters with regard to both sides of the opposition. Symbolization in the story of Noah has been conducted under the two categories of "characters" and "events". Heroes or positive characters are Noah (PBUH) symbolizing adherence and resistance on the right pathway, and his few followers who stand for salvation and good ending. Antiheroes or negative characters i.e. the stubborn and unbelieving affluent (*mala'*) and extravagant (*mūṭrīfīn*), including the wife and son of Noah (PBUH), are the symbols of evading the truth and of the wrong. Furthermore, Koran has artistically conducted symbolization of some events in the story. The storm, ark, and age of Noah (PBUH) have long been considered the symbols of divine planning and wrath, salvation and safety, and divine destiny respectively. Attention to these symbolizations in Koranic stories helps a clearer depiction thereof in written and visual media.

Keywords: *Koranic stories, the story of Noah (PBUH), symbolization, positive characters, negative characters.*

* Associate Professor, Department of Koranic Sciences and Hadith, Imam Khomeini International University, Qazvin, (Corresponding Author) memari@ISR.ikiu.ac.ir.

** Graduate in Koranic Sciences and Hadith, Imam Khomeini International University, Qazvin, maryamgholipor53@gmail.com.

نمادسازی قرآن کریم در داستان حضرت نوح (ع)

داوود معماری*

مریم قلی‌پور**

[تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۸/۰۱؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۹/۰۵]

چکیده

قرآن کریم در داستان حضرت نوح (ع) به عنوان یکی از عبرت‌آموزترین قصه‌های قرآنی به وضوح تقابل حق و باطل را نشان داده و درباره هر دو گروه، شخصیت‌های مهم و برجسته‌ای را ترسیم، و برای نسل‌های بعدی الگوپردازی و نمادسازی کرده است. نمادسازی در قصه نوح (ع) در دو دسته «افراد و شخصیت‌ها» و «حوادث و وقایع» انجام شده است. قهرمانان یا شخصیت‌های مثبت داستان عبارت‌اند از حضرت نوح (ع) که نماد پایداری و استقامت در راه حق است و پیروان اندکش که نماد رستگاری و حسن عاقبت‌اند. ضدقهرمانان یا شخصیت‌های منفی، یعنی ملأ و مترفین لجوج و کافر، زن و پسر نوح (ع)، نیز نمادهای حق‌گریزی و باطل‌اند. به علاوه، قرآن هنرمندانه برخی از وقایع و حوادث را نیز در این داستان نمادسازی کرده است. طوفان، کشتی و عمر نوح (ع) که به ترتیب در ادبیات دینی از دیرباز نماد مکر و قهر الاهی، نجات‌بخشی و امنیت، و مشیت ربوبی تلقی شده‌اند. توجه به این نمادسازی‌ها در قصه‌های قرآنی، در ترسیم روشن‌تر این حکایات عبرت‌آموز در رسانه‌های نوشتاری و تصویری کارساز است.

کلیدواژه‌ها: قصه‌های قرآنی، داستان نوح (ع)، نمادسازی، شخصیت‌های مثبت، شخصیت‌های منفی.

* استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی، قزوین، ایران (نویسنده مسئول)
memari@ISR.ikiu.ac.ir

** دانش‌آموخته کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی، قزوین، ایران
maryamgholipor53@gmail.com

طرح مسئله

قرآن کریم، کتاب هدایت و تضمین‌کننده سعادت دنیوی و اخروی بشر برای دستیابی به اهداف خویش، راهکارهایی متناسب با فطرت و ظرفیت آدمی برگزیده که مهم‌ترین آنها آموزش و تعلیم مستقیم، از قبیل دعوت به توحید و هشدار درباره وقوع معاد، ترغیب به سعادت اخروی، بیان بایدها و نبایدهای عملی و شرعی و ارشاد به ارزش‌های اخلاقی و نهی از ضدارزش‌ها است. البته روشی تأثیرگذارتر، یعنی آموزش غیرمستقیم در قالب بیان و تشریح قصص انبیا (ع) و امت‌های پیشین و شخصیت‌پردازی و نمادسازی در خلال این داستان‌ها، را نیز در پیش گرفته است.

داستان‌های قرآنی با اغلب داستان‌های رایج بشری تفاوت‌های اساسی دارد. از آنجا که قرآن کتاب حقیقت و هدایت است، هدف از داستان‌پردازی‌هایش نیز سرگرمی و مطرح کردن مسائل تخیلی نیست؛ برای رسیدن به این هدف از وقایع و شخصیت‌های حقیقی بهره می‌گیرد، نه قهرمانان افسانه‌ای و اسطوره‌ای. از طرفی قصه‌های قرآن موجز و خلاصه است و به جزئیات غیرضروری و نامرتب به هدایت و ارشاد بشر نمی‌پردازد. اما مهم‌ترین خصوصیت داستان‌های قرآنی شکل‌گرفتن آنها بر محور تقابل حق و باطل است. زنان نیز در اغلب داستان‌های قرآنی در کنار مردان ایفاگر نقش قهرمان یا ضدقهرمان قصه و ماجرا هستند. قرآن کریم با شخصیت‌پردازی و نمادسازی این قهرمانان و ضدقهرمانان، ایشان را به عنوان الگوهای شاخص برای آدمیان نسل‌های بعد عرضه می‌کند. مثلاً شیطان به عنوان نماد طغیان و سرکشی از درگاه الاهی، قارون به عنوان نماد ثروت‌اندوزان نامشروع و دنیاطلب، اصحاب کهف به عنوان نماد مؤمنانی که رنگ جامعه و محیط منحرف را به خود نمی‌گیرند و ... همگی در قصص قرآنی به گونه‌ای هنرمندانه و دلنشین نمادسازی شده‌اند تا در اعصار متمادی، آیندگان راه را از چاه بازشناسند.

تعاریف گوناگونی از نماد مطرح شده که در ساده‌ترین وجهش «نماد واژه‌ای فارسی است که در زبان عربی به آن رمز و در زبان فرانسه سمبل می‌گویند. نماد بر وزن سواد به معنای نمود، یعنی ظاهرشده و نمایان گردیده و به معنای فاعلی هم آمده است، یعنی ظاهرکننده» (دهخدا، ۱۳۷۳: ۶۱۰۷/۴)؛ و در اصطلاح زبان‌شناسی:

نماد-نشانه‌ها و اژگانی هستند که برای بیان یک معنای ملموس و محسوس غیر از معنای اصلی‌شان به کار می‌روند. در قرآن کریم از نمادها و نشانه‌های فراوانی همچون نمادهای جاندار، بی‌جان، گیاهی و انتزاعی استفاده شده است. نماد، آیت و نشانه شیء یا امری است که شیء یا امر (مجرد) دیگری را القا می‌کند، مانند ترازو=عدالت. این اصطلاح، در اصل یونانی باستان است و از مصدر symbol Lon در آن زبان به معنای نشان، مظهر، نمود و علامت به کار رفته است (ناظرزاده، ۱۳۸۰: ۳۲۰/۱).

به عبارتی در کاربرد نمادپردازی باید گفت:

جهان نمادین آشکارکننده ناشناخته‌ها و سازنده تصاویر نمادین دوسویه است؛ تصاویری که دو رو دارند، صورت ملموس و صورت پنهان. سویه پنهان تصاویر نمادین (عواالم ناشناخته و غیرمحسوس) است و ورود به جهان ناشناخته‌ها تنها از طریق شهود و مکاشفه ممکن است. این تصاویر مجازها و نمادهای زبانی‌اند که گویای آن تجربه روحانی برخاسته از اعماق باطن و ژرفای غیبی هستند که به سطح زبان کشانده و بیان شده و به صورت مادی و ملموس در پیش چشم ما در قالب واژه‌ها تجسم می‌یابد (فتوحی، ۱۳۸۶: ۱۷۲).

داستان حضرت نوح (ع)، به عنوان یکی از عبرت‌آموزترین قصه‌های قرآنی، در ۶ سوره (اعراف، هود، مؤمنون، شعرا، قمر و نوح) به تفصیل آمده و حدود ۱۱۴ آیه به این قصه اختصاص یافته و نام حضرت (ع) ۴۳ بار در کتاب الاهی آمده است. الگوهای شخصیتی در این داستان، از طرفی قهرمانان ماجرا، یعنی حضرت نوح (ع) و مؤمنان اندک ولی مقاوم و پایدار او هستند، و از طرفی ضدقهرمان‌ها، یعنی زن نوح (ع)، پسر نوح (ع) و قوم کافر، کفور و عنود وی (صاحبان ثروت و قدرت). در این قصه، مانند سایر قصص قرآنی، خداوند به روشنی تقابل حق و باطل را نشان داده و درباره هر گروه شخصیت‌های مهم و برجسته‌ای را ترسیم کرده است. این تقابل خود به جذابیت داستان‌های قرآنی کمک می‌کند و خوانندگان را در تمیز حق از باطل یاری می‌دهد. حتی قرآن کریم به گونه‌ای هنرمندانه برخی از حوادث و وقایع را نیز در این داستان

نمادسازی کرده است. مثلاً طوفان نوح (ع) برای همیشه بین مردم به عنوان نماد مکر و قهر الاهی بر ضد خودکامگان و کافران به یادگار مانده است؛ کشتی نوح (ع) به عنوان نماد نجات بخشی و امنیت مؤمنان در راه رسیدن به فلاح و رستگاری در روایت معرفی شده و اهل بیت (ع)، به ویژه امام حسین (ع)، به کشتی نوح (ع) تشبیه شده‌اند. این مقاله به روش توصیفی تحلیلی و با استناد به منابع معتبر کتاب‌خانه‌ای، داستان پرماجرایی نوح (ع) در قرآن کریم را واکاوی، و نمادسازی‌ها و الگوپردازی‌هایش را تبیین می‌کند. نکات مطرح شده در این مقاله را می‌توان در پژوهش‌های دیگر، درباره سایر حکایات و قصه‌های قرآنی، نیز تحلیل و تشریح کرد.

پیشینه موضوع

داستان حضرت نوح (ع) با همه فراز و نشیب‌هایش در خلال تفاسیر گوناگون قرآن کریم، منابع مختلف تاریخی و کتب متنوع ادیان بررسی و واکاوی شده، و درس‌ها و عبرت‌هایش استخراج و به ارباب معرفت عرضه شده است. مقاله «بررسی خلاقیت تربیتی مولانا در تفسیر عرفانی قصه قرآنی حضرت نوح (ع)» نوشته مرضیه شوشتری، مقاله «نمادپردازی آیات قرآنی در رساله قصة الغربة الغربية سهروردی» اثر پری‌سیما جوادی ترشیزی و الهام رستاد در هفتمین همایش بین‌المللی انجمن ترویج زبان و ادب فارسی، مقاله «کشتی نوح در قرآن، تورات و روایات اسلامی و یهودی» اثر سید عبدالمجید حسینی‌زاده و مقاله «الگوی ارتباطی حضرت نوح (ع) در قرآن کریم» اثر میثم فرخی و امین امینی صدر، واکاوی‌های ارزنده‌ای در داستان جذاب و درس‌آموز حضرت نوح (ع) صورت داده‌اند، اما اختصاصاً به موضوع نمادپردازی‌های قرآن کریم در این داستان پرداخته‌اند.

۱. انواع نمادپردازی در داستان نوح (ع)

نمادسازی و الگوپردازی‌های قرآن کریم در این داستان، در دو بخش «افراد و شخصیت‌ها» و «حوادث و وقایع» تحلیل می‌شود:

۱. ۱. نمادپردازی از افراد و شخصیت‌ها

الگوپردازی از افراد و شخصیت‌ها در خلال داستان نوح (ع) به دو گروه قهرمانان و نمادهای مثبت و ضدقهرمانان و نمادهای منفی تقسیم شده است:

۱. ۱. ۱. نوح (ع): نماد استقامت در راه حق

بی‌شک وجه غالب و ویژگی مهم دعوت نوح (ع)، پافشاری، پایداری و خستگی‌ناپذیری در مسیر پُر فراز و نشیب و دشوار دعوت، آن هم در میان قومی لجوج، حق‌ناپذیر و باطل‌گرا است (حسین‌پور، ۱۳۶۹: ۴۵). این ویژگی در خلال داستان آن حضرت (ع) در قرآن به گونه‌های مختلفی به چشم می‌خورد:

الف. بیان صریح عقاید: نخستین مرحله دعوت نوح (ع) که با توجه به سرسختی مخالفان، جلوه‌ای از استقامت در آن به چشم می‌خورد، بیان قاطع و بی‌پروای وی در اظهار و تبیین عقاید است: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ فَقَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ؛ هَمَانَا نوح (ع) را به سوی قومش فرستادیم، پس گفت ای قوم من، خدا را پرستید که برای شما معبودی جز او نیست» (اعراف: ۵۹)؛ و نیز «إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ * فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا مَنْ لَكُمْ مِنْكُمْ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ» (شعراء: ۱۰۷-۱۰۸).

ب. مداومت در تبلیغ: بر اساس شواهد تاریخی و قرآنی، قوم نوح (ع) بر بت‌پرستی و استکبار خود پافشاری بسیار می‌کردند و در برابر دعوت الهی بدون هیچ منطق سلیم و استدلال قوی می‌ایستادند. نوح (ع) نیز که مأموریت ابلاغ کامل رسالت خود را داشت هرگز تحت تأثیر این لجاجت‌ها قرار نگرفت و پیوسته آنها را به خدا و ارزش‌های الهی فرا می‌خواند:

او گاه سراغ مردم در خانه‌هایشان می‌رفت و یا در کوچه و بازار به طور خصوصی و با حوصله و لحن محبت‌آمیز تبلیغ می‌کرد و گاه در مجالس عمومی می‌آمد و با صدای بلند و آشکار فرمان خدا را بر آنها می‌خواند، اما همیشه با عکس‌العمل نامطلوب و توهین و استهزا و گاه ضرب و جرح روبه‌رو می‌شد، ولی با این حال هرگز دست از کار خود برنداشت (مکارم شیرازی،

نگاهی به آیات نازل شده درباره دعوت نوح (ع)، به ویژه در سوره‌های اعراف (۶ آیه)، شعراء (۱۶ آیه)، هود (۲۴ آیه) و نوح (۲۸ آیه)، به خوبی استمرار و مداومت نوح (ع) را در تلاش تبلیغی نشان می‌دهد. «مطابق آیات ۵-۱۰ سوره نوح (ع)، سیر و روند دعوت، گاهی با محتوای جملات و گاه با کلماتی مانند ثم، فای ترتیب، فدو واو عطف، بیان می‌شود که جملگی استمرار و مداومت دعوت حضرت (ع) را ثابت می‌نماید» (مکارم شیرازی، ۱۳۶۹: ۲۵/۶۶).

ج. بهره‌برداری از تمام فرصت‌ها و شیوه‌ها: نوح (ع) در دوران طولانی دعوتش هر شیوه‌ای را آزمود و هر راه مشروعی را برای راهنمایی قومش پیمود. سید قطب در این باره می‌گوید: «نوح (ع) همه اسلوب‌های دعوت را به کار گرفته، گاهی با صدای بلند و به طور آشکار و گاهی در خفا و گاهی نیز بین دعوت پنهانی و علنی جمع کرده است» (سید قطب، ۱۳۳۵: ۵/۳۷۱۲). طباطبایی نیز با اشاره به آیه «ثُمَّ إِنِّي أَعْلَنْتُ لَهُمْ وَأَسْرَرْتُ لَهُمْ إِسْرَارًا» (نوح: ۹) می‌گوید: «اعلان و اسرار در آیه متقابل اند، یعنی من به صورت آشکار و پنهانی آنها را دعوت کردم؛ یک بار سرّی و در خفا و دیگر به صورت علنی به دعوت آنها پرداختم. منظور این است که نوح (ع) در امر دعوت هر راهی را رفته و هر شیوه ممکن را آزموده است» (طباطبایی، ۱۳۷۶: ۲۰/۲۹). همچنین، سید قطب می‌گوید: «نوح (ع) قصد داشت با استفاده از شیوه‌های متفاوت و وسایل مختلف و اسالیب متنوع در یک جهاد طولانی با صبری عظیم که ۹۵۰ سال به طول انجامید دعوت خود را به گوش و دل قومش وارد کند» (سید قطب، ۱۳۳۵: ۵/۳۵۱۵؛ حسین پور، ۱۳۶۹: ۴۵).

د. انذار و هشدار: حضرت نوح (ع) در مواقع مختلف، مخاطبان را با انذارهایی جدی و حقیقی به هوشیاری و عاقبت‌اندیشی فرا می‌خواند. از آنجا که «انذار» به مفهوم هشداردادن و آگاهانیدن از خطر است و نوح (ع) مردم مشرک و منحرف را در خطری بزرگ می‌بیند، دعوت آنها را با انذار آغاز می‌کند: «إِن أَنَا إِلَّا نَذِيرٌ مُّبِينٌ؛ من جز هشداردهنده‌ای آشکار نیستم» (شعراء: ۱۱۵). هرچند نوح (ع) دعوت را با انذار آغاز می‌کند، اما آن را با نوعی عاطفه و شفقت‌ورزی همراه می‌سازد تا دل مخاطبان را نرم کند. وی می‌گوید من برای شما از عذاب روز دردناک می‌ترسم: «إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ»

عَذَابَ يَوْمِ أَلِيمٍ» (هود: ۲۶). همچنین، قرآن می‌فرماید: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ فَقَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ؛ همانا نوح (ع) را به سوی قومش فرستادیم، پس گفت ای قوم من، خدا را پرستید که برای شما جز او معبودی نیست، من از عذاب روزی سترگ بر شما می‌هراسم» (اعراف: ۵۹).

درباره تأکید بر انذار و شروع دعوت با آن، در دعوت نوح (ع) دیدگاه‌هایی مطرح شده است. از دیدگاه طباطبایی، خلاصه دعوت نوح (ع) در انذار او تجلی یافته و جمله‌های «إِن أَنَا إِلَّا نَذِيرٌ مُّبِينٌ» و «إِنِّي لَكُمْ نَذِيرٌ مُّبِينٌ» حاکی از این معنا است. به اعتقاد وی، رسالت نوح (ع) به اجمال در امثال این آیات آمده و به تفصیل در آیات بعد بیان شده است» (طباطبایی، ۱۳۷۶: ۲۶/۲۰).

دیدگاه دیگر از آن سید قطب در تفسیر *فی ظلال القرآن* است که می‌گوید: «چون قوم نوح (ع) دارای حالتی از اعراض و استکبار و عناد و ضلال بودند، خداوند انذار را مناسب‌ترین خلاصه و اجمال برای رسالت او و آغاز دعوتش قرار داد» (سید قطب، ۱۳۳۵: ۳۷۱/۵).

۵. **ترغیب و تشویق:** هرچند دعوت نوح (ع) بسان بسیاری از مبلغان الهی دیگر با انذار شروع می‌شود، عنصر تشویق و بیان بشارت نیز در آنها مشهود است، به‌ویژه آنکه انذار نه به مفهوم ترساندن (تخویف) بلکه به معنای هشداردادن و آگاهانیدن و پرهیزدادن از خطر است و با ترغیب و تبشیر منافاتی ندارد. گاه این تشویق با بیان نتایج اخروی ایمان و عمل صالح همراه بوده است؛ مانند: «أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاتَّقُوهُ وَأَطِيعُوا * يَغْفِرَ لَكُمْ مَنْ ذُنُوبَكُمْ وَيُوَخِّرْكُمْ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى؛ که خدا را پرستید و از او پروا دارید و مرا فرمان برید تا برخی از گناهانتان را بر شما ببخشايد و اجل شما را تا وقتی معین به تأخیر اندازد» (نوح: ۳-۴) (حسین‌پور، ۱۳۶۹: ۴۵).

و. **شفقت و دلسوزی:** نوح (ع) همواره در مواجهه با مردم، دلسوزانه و خیرخواهانه در راه هدایت می‌کوشید. هرچند وی انذار و هشدار و آگاهی‌بخشی را محور دعوت قرار داده بود، اما هرگز لحن دلسوزانه آمیخته با مهرورزی و صمیمیت را ترک نکرد، به طوری که در انذارهایش نوعی شفقت و محبت نهفته است: «أَنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ

نمادسازی قرآن کریم در داستان حضرت نوح (ع) / ۶۷

یوم عظیم»؛ عبارت «اخاف علیکم» شفقت نوح (ع) را می‌رساند. درباره مؤمنان مستضعف و پابرهنه، هرگز ایمان این گروه مخلص را به گرایش اشراف خودخواه نمی‌فروشد؛ «وَمَا أَنَا بِطَارِدِ الْمُؤْمِنِينَ» (شعراء: ۱۱۴). «وَمَا أَنَا بِطَارِدِ الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّهُمْ مُلَاقُوا رَبِّهِمْ» (هود: ۲۹)؛ «وَلَا أَقُولُ لِلَّذِينَ تَزْدَرِي أَعْيُنُكُمْ لَنْ يُؤْتِيَهُمُ اللَّهُ خَيْرًا اللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا فِي أَنْفُسِهِمْ»؛ و درباره کسانی که دیدگان شما به خواری در آنان می‌نگرد، نمی‌گویم خدا هرگز خیرشان نمی‌دهد، خدا به آنچه در دل آنان است آگاه‌تر است» (هود: ۳۱).

حضرت نوح (ع) در مناجاتش با خداوند، هدف از دعوت خود را آموزش قوم می‌شمرد: «وَإِنِّي كَلِمًا دَعَوْتُهُمْ لِتَغْفِرَ لَهُمْ» (نوح: ۷). از دیگر جلوه‌های مهرورزی نوح (ع)، بیان راه توبه برای مردم است: «فَقُلْتُ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا» (نوح: ۱۰). طبرسی در این زمینه می‌نویسد:

نوح (ع) به قومش گفت: بر کفر و معاصی خودتان از خدا آموزش بخواهید، چراکه او بسیار آمرزنده است. قوم نوح (ع) دچار قحطی شده، اموال و اولادشان از بین رفته بود و بدین سبب حضرت (ع) آنها را فرا می‌خواند که برای به دست آوردن آن دو نعمت استغفار کنند تا خداوند باران فراوانی از آسمان برایشان بفرستد و اموال و فرزندان ذکورشان را فزونی دهد (طبرسی، ۱۳۷۹: ۵۴۳/۱۰).

گاه قوم نوح (ع) او را ضرب و شتم می‌کردند و گلویش را می‌فشردند تا بیهوش می‌شد. وقتی به هوش می‌آمد می‌گفت: «اللهم اغفر لی و لِقَوْمی فانهم لا یعلمون؛ خدایا من و قوم مرا بیامرز که اینان نمی‌دانند» (ابن کثیر، ۱۴۱۱: ۶۸/۱).

ز. پرهیز از یأس و ناامیدی: «نومیدی هیچ‌گاه در دل نوح (ع) رخنه نکرد و این وحی الاهی بود که مأموریت او را پایان‌یافته قلمداد کرد، آنجا که این چنین وحی الاهی در رسید: «أَنَّهُ لَنْ يُؤْمِنَ مِنْ قَوْمِكَ أَلَّا مِنْ قَدْ آمَنَ وَ لَا تَبْتَسُّ بِمَا كَانُوا يَفْعَلُونَ؛ از قوم تو به جز کسانی که تاکنون ایمان آورده‌اند هرگز کسی ایمان نخواهد آورد؛ از آنچه می‌کردند غمگین مباش» (فضل‌الله، ۱۴۱۱: ۴۳۵/۸)؛ و به تعبیر شیرین لسان‌الغیب:

گرت چو نوح نبی صبر هست در دل طوفان بلا بگردد و کام هزار ساله برآید
(حافظ شیرازی، ۱۳۸۰: ۱۸۱)

ح. آزادمنشی در دعوت: تأکید بر آزادی و اختیار انسان در پذیرش دعوت، از اصول ادیان الهی است و خداوند به هیچ روی پذیرش اجباری هیچ دعوتی را شایسته نمی‌داند و اگر چنین بود به امر تکوینی خدایی، ایمان همه انسان‌ها به دین الهی به چشم برهم‌زدنی امکان‌پذیر و بلکه حتمی می‌شد. حتی پیامبران (ع) به درخواست‌های اعجاز، که به مجبورشدن مخاطبان یا نابودی آنها منجر می‌شد، پاسخ مثبت نمی‌دادند. چون در صورت جبر یا نابودی مخالف، کار تبلیغ بی‌معنا می‌شود: «قَالَ يَا قَوْمِ أَرَأَيْتُمْ إِنْ كُنْتُ عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّي وَآتَانِي رَحْمَةً مِنْ عِنْدِي فَعُمِّيَتْ عَلَيْكُمْ أَنُلْزِمُكُمْوهَا وَ أَنتُمْ لَهَا كَارِهُونَ؟» گفت ای قوم من، بگویید اگر از طرف پروردگارم حجتی روشن داشته باشم و مرا از نزد خود رحمتی بخشیده باشد که بر شما پوشیده باشد، آیا ما باید شما را در حالی که بدان اگراه دارید به آن وادار کنیم؟» (هود: ۲۸). «به این ترتیب، به قوم خود خطاب می‌کند که وقتی مرا بر دلیل روشن می‌بینید و نمی‌پذیرید، با شما چه کنم. آیا شما را به قبول نبوت و اعتراف به ایمان وادار کنم، در حالی که از آن کراهت دارید و حاضر به تأمل و تفکر در آن و انتخاب آن نیستید و در حالی که طبق حکم خداوند راهی برای ورود به دین به دل انسان جز از طریق توجه و پذیرش قلبی وجود ندارد» (عباسی مقدم، ۱۳۷۹: ۱۶۸).

ط. یادآوری نعمت‌های الهی: حضرت نوح (ع) در مسیر دعوت، برای رام کردن اندیشه‌های متمرد و دل‌های منحرف و زمینه‌سازی برای گسترش دعوت، نعمت‌های الهی را برمی‌شمرد و سختی‌های ناشی از فقدان آنها را گوشزد می‌کرد:

مَا لَكُمْ لَا تَرْجُونَ لِلَّهِ وَقَاراً * وَقَدْ خَلَقَكُمْ أَطْوَاراً * أَلَمْ تَرَوْا كَيْفَ خَلَقَ اللَّهُ سَعَىٰ سَمَوَاتٍ طِبَاقاً * وَجَعَلَ الْقَمَرَ فِيهِنَّ نُوراً وَجَعَلَ الشَّمْسَ سِرَاجاً * وَاللَّهُ أَنْبَتَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ نَبَاتاً * ثُمَّ يُعِيدُكُمْ فِيهَا وَيَخْرِجُكُمْ إِخْرَاجاً * وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ الْأَرْضَ بِسَاطاً * لَتَسْلُكُوا مِنْهَا سُبُلًا فِجَاجاً؛ شما را چه شده است که از شکوه خدا بیم ندارید؟ و حال آنکه شما را مرحله به مرحله خلق کرده است. مگر ملاحظه نکرده‌اید که خدا چگونه هفت آسمان را نو به نو آفریده است؟ و ماه را میان آنها روشنی‌بخش گردانید و خورشید را چراغی قرار داد. و خدا است که شما را چون گیاهی از زمین رویانید، سپس شما را به آن بازمی‌گرداند و

بیرون می‌آورد، بیرون‌آوردنی عجیب و خدا زمین را برای شما گسترده ساخت تا در راه‌های فراخ آن بروید (نوح: ۱۳-۲۰).

عارف نامی، مولانا جلال‌الدین، صبر و استمرار نوح (ع) در دعوت و رسالتش را در ایباتی شیوا و روان به تصویر می‌کشد تا اسوه‌ای نیکو از استقامت در راه خدا مطرح کند:

نوح نهصد سال دعوت می‌نمود	دم به دم انکار قومش می‌فزود
هیچ از گفتن عنان واپس کشید؟!؟	هیچ اندر غار خاموشی خزید!؟
گفت از بانگ و علای سگان	هیچ واگردد ز راهی کاروان!؟
یا شب مهتاب از غوغای سگ	سست گردد بدر را در سیرنگ!؟

(مولوی، ۱۳۷۶: ۱۰۴۳)

۱. ۲. پیروان نوح (ع)؛ نماد رستگاری و حسن عاقبت

خداوند در آیه ۵۱ سوره غافر به مؤمنان وعده نصرت داده است: «إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَالَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ يَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهَادُ؛ ما (که خدای توانایم) البته رسولان خود و اهل ایمان را هم در دنیا ظفر و نصرت می‌دهیم و هم روز قیامت که گواهان (اعمال نیک و بد) به شهادت برخیزند (مؤمنان را به مقامات بهشتی پاداش می‌دهیم)» (غافر: ۵۱). سنت‌الاهی حمایت از انبیا (ع) و همه مؤمنان است، گرچه در سختی باشند. در قرآن سخن از نصرت‌الاهی درباره انبیا (ع) و مؤمنان بسیار است: «فَنَجِّنَاهُ وَمَنْ مَعَهُ فِي الْفُلْكِ؛ ما، نوح و کسانی را که با او در کشتی بودند نجات دادیم» (یونس: ۷۳). مؤمنان به نوح (ع) نماد ایمان راسخ به خداوند، رستگاری و حسن عاقبت‌اند. ایمان، به انسان ارزش می‌بخشد و او را در کنار انبیا (ع) قرار می‌دهد و مشمول نصرت‌الاهی و شایسته کامیابی دنیوی و اخروی می‌سازد.

۱. ۳. زن نوح (ع)؛ نماد خیانت به حقیقت

«خیانت» در لغت به معنای نقیض امانت (طریحی، ۱۳۷۵: ۲۰۴۵/۶)، منع حق (قرشی، ۱۳۷۱: ۳۱۴) و نیز به معنای طریق پیمان‌شکنی مخفیانه و بی‌وفایی و خلف وعده و عهد

آمده است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۳۰۵)؛ و در اصطلاح از دستورهای الهی خارج شدن و منهیات حق را مرتکب شدن معنا شده است (مشکور، ۱۳۸۷: ۸۳۷/۱۲). طباطبایی در تبیین واژه «خیانت» می‌گوید:

خداوند متعال یک سلسله قوانین و مقرراتی را که برای بندگان وضع نموده به عنوان «امانت» از آنها نام برده و از هر گونه خیانتی نسبت به آن به شدت نهی کرده است که در اینجا به مواردی اشاره می‌شود: در سوره انفال، آیه ۷۱ می‌فرماید: «أَمَّا إِنْ بَخَّوْهُنَّ بِمَا تَوَخَّيْتُمْ أَنْ تُخَلَّيْنَهُنَّ يَمْشِيْنَ فِيْ بِلْدَانِكُمْ لَا يَدْعُنَّ إِلَى الْفِتْنِ أُولَئِكَ يَفْعَلُونَ بِكَ مَا يُشَاءُونَ وَيَخْلَفُونَ بَلْ أُولَئِكَ هُمُ الْخَائِفُونَ وَأُولَئِكَ هُمْ الدَّاعِيْنَ» (تحریم: ۱۰) خداوند برای کسانی که کافر شده‌اند به همسر نوح و همسر لوط مثال زده است. آن دو تحت سرپرستی دو بنده از بندگان صالح ما بودند ولی به آن دو خیانت کردند و ارتباط با این دو پیامبر (ع) سودی به حالشان (در برابر عذاب الهی) نداشت و به آنها گفته شد: «وَأُولَئِكَ هُمُ الْخَائِفُونَ وَأُولَئِكَ هُمْ الدَّاعِيْنَ» (تحریم: ۱۰) این آیه کریمه متضمن مثلی است که خدا به وسیله آن حال کفار را مجسم می‌کند و به حال دو زن تاریخ مثل می‌زند که هر دو، همسر دو پیامبر بزرگوار (ع) بودند، دو پیامبری که خداوند عبد صالحشان نامیده و چه کرامتی بزرگ‌تر از این، و با این حال این دو زن به آن دو بزرگوار خیانت کردند و در نتیجه فرمان الهی رسید که با سایر دوزخیان داخل دوزخ گردند، اما همسری آنان سودی به حالشان نبخشید و بدون کسب کمترین امتیازی در زمره هالکان به هلاکت رسیدند (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۵۷۷/۱۹).

این دو زن به این دو پیامبر (ع) خیانت کردند، البته خیانتشان هرگز انحراف از جاده عفت نبود؛ زیرا هرگز همسر هیچ پیامبری آلوده به بی‌عفتی نبوده است، چنان‌که پیامبر اکرم (ص) در حدیثی می‌فرماید: «همسر هیچ پیامبری هرگز آلوده به عمل منافی عفت نشده، خیانت همسر لوط (ع) این بود که با دشمنان آن پیامبر همکاری می‌کرد و اسرار

نمادسازی قرآن کریم در داستان حضرت نوح (ع) / ۷۱

خانه او را به دشمن می سپرد و همسر نوح (ع) نیز چنین بود» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۶: ۳۰۲/۲۴؛ طبرسی، ۱۳۷۹: ۴۷۱/۱۰؛ سیوطی، ۱۴۰۴: ۲۲۸/۸). نویسندگان تفسیر نمونه می گویند:

آیه ۱۰ سوره تحریم هشداری است بر همه مؤمنان در تمام قشرها که پیوندهای خود را با اولیاءالله در صورت گناه و عصیان مانع عذاب الاهی نپندارند. به هر حال آیه فوق امیدهای کاذب افرادی را که گمان می کنند تنها ارتباط با شخصی بزرگ همچون پیامبر (ص) می تواند مایه نجات آنها گردد (هرچند در عمل آلوده باشند) قطع می کند تا هیچ کس از این نظر برای خود مصونیتی قائل نشود. لذا در پایان آیه می گوید با سایر دوزخیان وارد جهنم شوید؛ یعنی میان شما و دیگران از این نظر هیچ امتیازی نیست (مکارم شیرازی، ۱۳۷۶: ۳۰۰/۲۴).

۱. ۱. ۴. پسر نوح (ع)؛ نماد حق گریزی و سوء عاقبت

پس از قابیل، کنعان فرزند نوح (ع) در میان منحرفان از خاندان انبیا (ع) شهرت فراوان دارد. ماجرای وی در آیات ۴۰-۴۷ سوره هود بیان شده است. طبق این آیات، از پیش به نوح (ع) گفته شده بود که به جز کسانی که استثنا شده اند، بقیه خاندان اهل نجات اند و در سیل و طوفان الاهی غرق نمی شوند. طوفانی آغاز شد و به تدریج همه کافران در حال غرق شدن بودند. نوح (ع) دید فرزندش سوار کشتی نشده است. از او خواست با کافران نماند و سوار شود، اما او گفت نیازی به کشتی نجات نوح ندارد، بلکه می تواند از کوهی بالا رود و از سیل در امان بماند. سرانجام سیل بیشتر شد و حضرت نوح (ع) احساس کرد کم کم فرزندش در حال غرق شدن است. به درگاه الاهی تضرع کرد و گفت: «خدایا تو فرموده بودی که خاندان من اهل نجات اند، البته حکم تو بهترین و وعده تو هم که قطعاً حق است، پس چرا فرزندم در حال غرق شدن است؟!». هرچند نوح (ع) از استثنایی در خاندانش خبر داشت، اما گویا گمان می کرد آن استثنا فقط زن او است. خداوند متعال پاسخ داد: «تو بعضی از حقایق را نمی دانی. او از خاندان تو نیست و عملی ناشایست مرتکب شده است». سرانجام بین نوح (ع) و فرزندش موجی از آب فاصله شد.

درباره مراد از تعبیر «انه لیس من اهلک» در آیه ۴۶ سوره هود، چهار قول وجود دارد (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۰/۲۲۴-۲۲۶؛ مجلسی، ۱۳۸۵: ۱/۳۱۲) که دو قول جای بررسی بیشتر دارد. طبق یکی از این اقوال، مراد آیه این است که پسرت از لحاظ اعتقادی از تو و با تو نیست. برخی دیگر گفته‌اند فرزندت از جمله آن خاندانی که وعده نجاتشان به تو داده شده است، نیست. حامیان هر دو قول، آیه بعد، «انه عمل غیر صالح»، را مؤید سخن خود گرفته‌اند. حامیان قول اول می‌گویند این عبارت در صدد بیان این حقیقت است که او به دلیل اعمال ناشایستش جزء خاندان تو به حساب نمی‌آید (مجلسی، ۱۳۸۵: ۱/۳۱۴).

حامیان قول دوم، که طباطبایی از جمله آنها است، می‌گویند مراد آیه این است که او جزء استثناءشدگان در آیه پیش است و آیه «انه عمل غیر صالح» نیز مؤید این تفسیر است (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۰/۲۲۴-۲۲۶). در آیات قرآن نام فرزند نوح (ع) ذکر نشده، اما طبق روایات «کنعان» نام داشته است (مجلسی، ۱۳۸۵: ۱۱/۳۱۷). برخی هم گفته‌اند در عربی به او «یام» می‌گفتند (محمدی اشتهاردی، ۱۳۸۸: ۵۱). بیت مشهوری از سعدی، که حکایتی کوتاه و گویا از ماجرای کنعان پسر نوح (ع) است، در ادب فارسی به ضرب‌المثلی رایج برای هشدار به چنین انسان‌های کفور و قدرنشناسی تبدیل شده است:

پسر نوح با بدان بنشست خاندان نبوتش گم شد
(سعدی، ۱۳۹۲: ۱۸)

۱. ۱. ۵. قوم نوح (ع)؛ نماد حق‌ستیزی و هلاکت

نوح (ع) زمانی به پیامبری مبعوث شد که مردم عصرش غرق در بت‌پرستی، خرافات، فساد و بیهوده‌گرایی بودند. آنها در حفظ عادات و رسوم باطل خود، بسیار لجاجت و پافشاری می‌کردند و به قدری در عقیده آلوده‌شان ایستادگی داشتند که حاضر بودند بمیرند ولی از عقیده سخیف و باطلشان دست برندارند. نام قوم نوح در جایی ذکر نشده، هرچند قرآن کریم در آیات متعدّد به اوصاف این قوم پرداخته است. این قوم به حدّی از حق دور بود که به رغم بیش از نهصد سال تبلیغ حضرت نوح (ع) باز هم بر گمراهی خود سماجت ورزیدند تا اینکه نوح (ع) از هدایتشان ناامید شد و در نهایت

نمادسازی قرآن کریم در داستان حضرت نوح (ع) / ۷۳

از خدای متعال برای آنها درخواست عذاب کرد: «وَقَالَ نُوحٌ رَبِّ لَا تَذَرْنِي عَلَى الْأَرْضِ مِنَ الْكَافِرِينَ دَيَّارًا * إِنَّكَ إِن تَذَرْنَهُمْ يَضِلُّوا عِبَادَكَ وَلَا يَلِدُوا إِلَّا فِاجِرًا كَفَّارًا؛ و نوح گفت: ای پروردگار من، بر روی زمین هیچ یک از کافران را مگذار که اگر بگذاریشان، بندگان را گمراه می‌کنند و جز فرزندان فاجر و کافر نیاورند» (نوح: ۲۶ و ۲۷).

گستاخی و غرور این قوم به حدی بود که قرآن درباره‌شان می‌فرماید: «وَإِنِّي كَلَّمَا دَعَوْتُهُمْ لِيُغْفِرَ لَهُمْ جَعَلُوا أُصَابِعَهُمْ فِي آذَانِهِمْ وَاسْتَعْشَوْا ثِيَابَهُمْ وَاصْرُؤْا وَاسْتَكْبَرُوا اسْتِكْبَارًا؛ و من هر بار که دعوتشان کردم تا تو آنها را بیامیزی، انگشت‌ها در گوش‌های خود کردند و جامه در سر کشیدند و پای فشردند و هرچه بیشتر سرکشی کرده و استکبار ورزیدند» (نوح: ۷) (بلاغی، ۱۳۸۱: ۲۱-۲۳). طبرسی نیز در توصیف این قوم کفور و عنود می‌نویسد:

این قوم با این ویژگی حق‌ناپذیری در واقع دو چیز را انکار می‌کردند: ۱. رسالت نوح (ع)، ۲. توحید در ربوبیت. با توجه به آیات (هود: ۲۷؛ قمر: ۹) روشن شد که این قوم مخصوصاً به خاطر حق‌ناپذیری اشراف و بزرگان‌شان در مقابل ادله و حجت‌های روشن حضرت نوح (ع) بر اثبات خداوند و نبوت، به لجاجت، افترازی و بدرفتاری با آن حضرت (ع) و پیروان انگشت‌شمارش می‌پرداختند و حتی حاضر به شنیدن کلام حق هم نبودند (طبرسی، ۱۳۷۹: ۱۵۶/۵).

۱. ۲. نمادپردازی از حوادث و وقایع

برخی از اشیا و وقایع مطرح‌شده در این ماجرای خطیر نیز به گونه‌ای هنرمندانه نمادسازی شده است.

۱. ۲. ۱. عمر نوح (ع)؛ نماد مشیت خداوندی

«مشیت» از ماده «شِءَ» مصدر «شَاءَ يَشَاءُ» است که در لغت از آن به «اراده» تعبیر شده و در اصطلاح یعنی تمایل یافتن به سوی چیزی تا حدی که به طلب آن چیز منجر شود. از آنجا که این لفظ نزد متکلمان از الفاظ مشترک بین خدا و خلق است، راغب

اصفهان‌ی آن را به معنای ایجاد کردن شیء و اصابت کردن معنا کرده است، با این تفصیل که مشیت درباره خدا به معنای ایجاد و وجود شیء به کار می‌رود و در صورتی که برای انسان‌ها استعمال شود به معنای اصابت است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۸: ۴۷۱؛ ابن‌منظور، ۱۴۱۴: ۱۰۳/۱). «مشیت خداوند یکی از آثار و تجلیات قدرت خداوندی است؛ زیرا حقیقت قدرت، کنار زدن حدود بوده و هر چه محدودیت‌ها کمتر و ضعیف‌تر باشد نشانی از کامل‌تر بودن قدرت است» (مصطفوی، ۱۳۸۰: ۹۵/۶).

«از آنجا که خداوند قادر مطلق است، چیزی در مقابل او نیست تا او را محدود گرداند، لذا مشیت او نیز به طور نامحدود نافذ بوده و قرآن درباره قدرت نامحدود خداوند و نفوذ مشیت در تمام امور می‌فرماید: «وَرُبُّكَ يُخَلِّقُ مَا يَشَاءُ وَ يَخْتَارُ مَا كَانَ لَهُمُ الْخَيْرَةُ» (قصص: ۶۸)؛ «پروردگار تو هر چه بخواهد می‌آفریند و هر چه بخواهد برمی‌گزیند، آنان (در برابر او) اختیاری ندارند». آیه در مقام بیان این نکته است که تنها مؤثر در عالم خدا است و هیچ چیزی در عالم وجود ندارد که خدای متعال را مجبور به کاری بکند، فلذا او مختار حقیقی است» (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۶۶/۱۶).

عمر طولانی نوح (ع) در ادبیات عربی و فارسی به عنوان تمثیلی بلیغ از اراده حتمی و مشیت قطعی ربوبی استعمال شده است. تواریخ و روایات، عمر آن حضرت (ع) را بین ۱۰۰۰ و حتی ۲۸۰۰ سال ذکر کرده‌اند (مجلسی، ۱۳۸۵: ۲۸۵/۱۱؛ صدوق، ۱۳۶۳: ۳۰/۲؛ مستوفی قزوینی، ۱۳۸۳: ۲۵).

۱. ۲. ۲. نفرین نوح (ع)؛ نماد فعل الاهی

از منظر عرفانی، انسان کامل جلوه‌ای از صفات الاهی را در وجودش دارد و پرتوی از نور او است. پس در واقع نفرین نوح (ع) و تأثیر آن به نوعی، فعل الاهی است. پس هر گاه خداوند با افعالش تجلی کند این افعال در انسان کامل بروز و ظهور می‌یابد (نک: شوشتری، ۱۳۹۳). نوح (ع) به عنوان انسان کامل و خلیفه‌الله، مانند خضر نبی (ع) «و ما فعلته عن امری» (کهف: ۸) و به مصداق «و ما رمیت اذ رمیت ولكن الله رمی» (انفال: ۱۷) کلام و عملش جز کلام و فعل الاهی نبود: «فَدَعَا رَبَّهُ أَنِّي مَغْلُوبٌ فَانْتَصِرْ * فَفَتَحْنَا

نمادسازی قرآن کریم در داستان حضرت نوح (ع) / ۷۵

أَبْوَابَ السَّمَاءِ بِمَاءٍ مُنْهَمِرٍ * وَفَجَّرْنَا الْأَرْضَ عُيُونًا فَالْتَقَى الْمَاءُ عَلَى أَمْرٍ قَدْ قُدِرَ؛ او (نوح) به درگاه پروردگار عرضه داشت: من مغلوب (این قوم طغیانگر) شده‌ام. انتقام مرا از آنها بگیر. در این هنگام درهای آسمان را گشودیم و آبی فراوان و پی‌درپی فرو بارید و زمین را شکافتیم و چشمه‌های زیادی بیرون فرستادیم و این دو آب به اندازه‌ای که مقدر بود با هم درآمیختند» (قر: ۱۰-۱۲). «هنگامی که نوح (ع) از هدایت آنها به کلی مأیوس گشت به درگاه خدا عرضه داشت: پروردگارا! این گروه طاغی و مجرم بر من غلبه کردند، انتقام مرا بگیر. آنها هرگز در دلیل و حجت و برهان بر من غلبه نکردند ولی از طریق ظلم و جنایت و تکذیب و انکار و انواع زجر و فشار بر من غلبه کردند. این قوم شایسته بقا نیستند. از آنها انتقام بگیر و مرا بر آنها پیروز کن» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۶: ۳۱/۲۳).

گر نبودی نوح شیر سرمدی عالمی را از چه او بر هم زدی؟!
ورنه کی کردی به یک نفرین بد نوح شرق و غرب را غرقاب خود؟!
(مولوی، ۱۳۷۶: ۲۶)

۱. ۲. ۳. کشتی نوح (ع)؛ نماد نجات‌بخشی و امنیت

کشتی نوح (ع) آیت و معجزه‌ای الهی محسوب می‌شود و نماد نجات‌بخشی و امنیت است: «فَأَنْجَيْنَاهُ وَأَصْحَابَ السَّفِينَةِ وَجَعَلْنَاهَا آيَةً لِّلْعَالَمِينَ» (عنکبوت: ۱۵). در اینجا مرجع ضمیر «جعلناها» اشاره به کشتی است که به‌راستی این کشتی مخصوصاً در آن عصر و زمان و در چنان حادثه عظیمی (طوفان) آیتی بود از آیات خدا (مکارم شیرازی، ۱۳۷۶: ۲۳۱/۱۶). اهل بیت (ع) (سیوطی، ۱۴۰۴: ۳۳۴/۳؛ طبرانی، بی‌تا: ۱۳۹/۱؛ قندوزی، ۱۴۱۶: ۹۴/۱؛ ابن‌کثیر، ۱۴۱۱: ۱۲۳/۴؛ متقی هندی، ۱۴۱۶: ۹۸/۱۲)، به‌ویژه امام حسین (ع) (صدوق، ۱۴۰۴: ۶۲/۲؛ بحرانی، ۱۴۱۴: ۵۲/۴؛ عاملی، ۱۴۰۹: ۱۶۱/۲) در بسیاری از روایات در نجات‌بخشی و هدایتگری به کشتی نوح تشبیه شده‌اند:

رهایی از هیچ طوفانی بدون کشتی نجات ممکن نیست. لزومی ندارد که این کشتی حتماً از چوب و آهن باشد، بلکه چه‌بسا این کشتی نجات یک مکتب کارساز حیات‌بخش مثبت است که در برابر امواج طوفان‌های افکار انحرافی

مقاومت می‌کند و پیروانش را به ساحل نجات می‌رساند. روی همین جهت در روایاتی که از پیامبر اکرم (ص) در کتب شیعه و اهل تسنن آمده است، خاندان او، یعنی امامان و اهل بیت (ع) و حاملان مکتب اسلام، به عنوان (کشتی نجات) معرفی شده‌اند. ابن مغیره می‌گوید من به همراه ابوذر کنار خانه کعبه آمدم. او دست در حلقه در خانه کرد و صدا زد منم ابوذر غفاری، هر کس مرا نمی‌شناسد بشناسد، من همان جندب هستم (نام اصلی ابوذر جندب بود)، من یار پیامبرم، با گوش خود شنیدم که می‌فرمود: «مثل اهل بیتی مثل سفینه نوح من رکبها نجا؛ مثل اهل بیت من مثل کشتی نوح (ع) است که هر کس به آن پناه برد نجات می‌یابد». در بعضی دیگر از طرق حدیث جمله «و من تخلف عنها غرق؛ و هر کس از آن تخلف کند غرق می‌شود» یا «من تخلف عنها هلك» نیز اضافه شده است. این حدیث پیامبر (ص) به صراحت می‌گوید هنگامی که طوفان‌های فکری و عقیدتی و اجتماعی در جامعه اسلامی رخ می‌دهد، تنها راه نجات، پناه‌بردن به این مکتب است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۶: ۱۰۸/۹).

۱. ۲. ۴. طوفان نوح (ع)؛ نماد مکر و قهر الاهی

وقتی اراده الاهی بر عذاب و نابودی قوم سرکش نوح قرار گرفت، در بیابانی خشک پیامبرش را به ساختن کشتی امر فرمود، کاری که با استهزای ملاً و مترف مغرور مواجه شد. اما سرانجام از تئوری که جای آتش است و محل برکت، برای عذاب آنها آبی فراوان سر بر آورد و با آن، همه چشمه‌های زمین و باران‌های سیل‌آسای آسمان، بیابان را به دریایی خروشان مبدل کردند:

یک قوم و ملت فاسد که کفر و شرک ملکه وجودی آنها است باید نابود شوند تا باعث گسترش فساد در دیگر امت‌ها نشوند و وسیله نابودی آنها هر چه باشد تفاوت نمی‌کند، ولی دقت در آیات قرآن نشان می‌دهد که تناسبی میان نحوه مجازات‌ها و گناهان اقوام بوده و هست. فرعون تکیه‌گاه قدرت‌ش را رود عظیم نیل و آب‌های پُربرکت آن قرار داده بود. نابودی او هم به وسیله همان شد! نمرود متکی به لشکر عظیم بود و چنان‌که می‌دانیم لشگر کوچکی از حشرات او و یارانش را شکست داد! قوم نوح (ع) جمعیت کشاورز و دامدار بودند و چنین

نمادسازی قرآن کریم در داستان حضرت نوح (ع) / ۷۷

جمعیتی همه چیز را از دانه‌های حیات‌بخش باران می‌داند، اما سرانجام همین باران آنها را از بین برد و از اینجا به‌خوبی روشن می‌شود که چقدر برنامه‌های الهی حساب شده است و اگر می‌بینیم انسان‌های طغیانگر عصر ما در جنگ‌های جهانی اول و دوم به وسیله مدرن‌ترین سلاح‌هایشان در هم کوبیده شدند نباید مایه تعجب ما باشد، چراکه همین صنایع پیشرفته بود که تکیه‌گاه آنها در استعمار و استثمار خلق‌های مستضعف جهان محسوب می‌شد! (همان: ۱۰۶/۹).

مولانا ناظر به آیات ۴۲ و ۴۳ سوره هود از نماد طوفان نوح (ع) بهره می‌گیرد تا نشان دهد که اگر خداوند پشتیبان و نگه‌دارنده آدمیان نباشد، همه در معرض طوفان حوادث و هلاکتیم:

کس رهد از مکر تو ای معصم؟! غرق طوفانیم الا من عصم
(مولوی، ۱۳۷۶: ۳۲۶)

۱. ۲. ۵. هلاکت قوم نوح (ع)؛ نماد اضمحلال باطل
خداوند هلاک این قوم را عبرتی برای آیندگان قرار داد تا همواره از عقوبت الهی خائف و ترسان باشند. مولانا چه زیبا و خلاقانه نتیجه می‌گیرد که هلاک اقوام گنهکار گذشته، مایه رحمتی است برای آیندگان و شاید منظورش این باشد که لطف و کرم الهی سبب شد ما بعد از این اقوام بیاییم (شوشتری، ۱۳۹۳: ۱۳۰) و هلاک اقوامی مانند قوم نوح (ع) و هود (ع) را سبب انتباه و بیداری خویش قرار دهیم.

تا هلاک قوم نوح و قوم هود نادی رحمت به جان ما نمود
گشت ایشان را که ما ترسیم از او ور خود این برعکس کردی، وای تو
(مولوی، ۱۳۷۶: ۵۲۶)

مولانا همواره از بیان قصه‌ها و تمثیل‌ها، هدفی والاتر از سرگرمی و رفع ملال خواننده دارد. وی از اینها برای بیان مسائل عمیق عرفانی و تربیتی بهره می‌برد تا سالکان را راهنما باشد. بنابراین، از هر قصه و تمثیل، نتیجه‌ای تربیتی و عرفانی می‌گیرد. وی

دلیل هلاکت قوم نوح (ع) را این‌گونه تبیین می‌کند که هر گاه انسان مشمول عنایت پروردگار قرار گرفت و نعمتی به او عطا شد، همواره باید از زوال نعمت ترسان باشد. سالکی هم که از شراب عشق الاهی مست شده، مانند مستی است که بر لبه بام ایستاده و هر لحظه بیم سقوطش می‌رود؛ همان‌گونه که قوم نوح (ع) و لوط (ع) به علت کفران نعمت دچار عذاب الاهی شدند (شوشتی، ۱۳۹۳: ۱۳۳).

جز کنار بام، خود نبود سقوط اعتبار از قوم نوح و قوم لوط
(مولوی، ۱۳۷۶: ۷۳۲)

نتیجه

۱. قرآن که خود کتاب حق و حقیقت است، با ذکر قصص و رویدادهای عینی و واقعی، برای الگوبرداری مؤمنان تشنه هدایت نمادسازی و شخصیت‌پردازی می‌کند.
۲. برخی از برجسته‌ترین نمادهای قرآنی در داستان پرماجرایی نوح (ع) به نمایش درآمده است.
۳. در این قصه پرماجرا نمادهایی از افراد و شخصیت‌ها در دو وجه قهرمان (شخصیت‌های مثبت) و ضدقهرمان (شخصیت‌های منفی) به تصویر کشیده شده است.
۴. حضرت نوح (ع) نماد پایداری و استقامت در راه حق است و پیروان اندک ولی مقاومش، نماد رستگاری و عاقبت به خیری.
۵. قوم لجوج و عنود نوح (ع)، نماد حق‌ستیزی، پسرش، نماد حق‌گریزی و همسرش، نماد خیانت (مکتبی و اعتقادی) قلمداد شده‌اند.
۶. در این داستان در ابتکاری خلاقانه و برای همیشه، طوفان، نماد مکر و انتقام الاهی، نفرین نوح (ع)، نماد فعل خداوندی، کشتی، نماد نجات‌بخشی و امنیت و عمر نوح (ع)، نماد مشیت ربوبی است.

منابع

- قرآن کریم (۱۳۷۸). ترجمه: ناصر مکارم شیرازی، تهران: پیام عدالت.
- ابن کثیر، عبدالله (۱۴۱۱). *قصص الانبياء*، تحقیق: دکتر عبد الواحدی، بیروت: مؤسسه علوم القرآن، ج ۱ و ۴.
- ابن منظور، محمد ابن مکرم (۱۴۱۴). *لسان العرب*، بیروت: دار صادر، ج ۱.
- بحرانی، سید هاشم (۱۴۱۴). *مدینه المعجز، بی جا: مؤسسه المعارف الاسلامیه.*
- بلاغی، صدرالدین (۱۳۸۱). *قصص قرآن*، تهران: امیرکبیر، چاپ هفدهم.
- جوادی ترشیزی، پری سیمان؛ رستاد، الهام (۱۳۹۲). «نمادپردازی آیات قرآنی در رساله قصه الغرابة الغریبه سهروردی»، در: هشتمین همایش بین المللی انجمن ترویج زبان و ادب فارسی، دانشگاه زنجان، در: <https://b2n.ir/030037> (تاریخ دسترسی: ۹۸/۶/۱۵).
- حافظ شیرازی، شمس الدین محمد (۱۳۸۰). *دیوان حافظ*، تهران: علمی.
- حسین پور، فاطمه (۱۳۹۶). تأثیر تغییر شرایط بر روش های تبلیغی انبیا در قرآن، استاد راهنما: سید ابوالفضل موسویان، قم: دانشگاه مفید.
- حسینی زاده، سید عبدالمجید (۱۳۹۲). «کشتی نوح در قرآن، تورات و روایات اسلامی و یهودی»، در: پژوهش نامه تفسیر و زبان قرآن، دوره ۱، ش ۳، ص ۵۵-۷۰.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۳). *لغت نامه دهخدا*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ج ۴.
- راغب اصفهانی، حسین ابن احمد (۱۴۱۲). *المفردات فی غریب القرآن*، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- سعدی، مصلح الدین (۱۳۹۲). *گلستان*، تهران: ققنوس.
- سید قطب (۱۳۳۵). *فی ظلال القرآن*، ترجمه: احمد آرام، تهران: علمی، چاپ اول، ج ۵.
- سیوطی، جلال الدین (۱۴۰۴). *الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور*، قم: مکتبه آیه الله العظمی نجفی المرعشی، ج ۳ و ۸.
- شوشتری، مرضیه (۱۳۹۳). «بررسی خلاقیت تربیتی مولانا در تفسیر عرفانی قصه قرآنی حضرت نوح (ع)»، در: *روان شناسی تربیتی*، ش ۳۱، ص ۱۲۵-۱۳۴.
- شوشتری، مرضیه (۱۳۹۳). «بررسی خلاقیت تربیتی مولانا در تفسیر عرفانی قصه قرآنی حضرت نوح (ع)»، در: *روان شناسی تربیتی*، ش ۱۳، ص ۱۶۴-۱۲۵.
- صدوق، محمد بن علی (۱۳۶۳). *کمال الدین و تمام النعمه*، قم: انتشارات جامعه مدرسین.
- صدوق، محمد بن علی (۱۴۰۴). *عیون اخبار الرضا (ع)*، بیروت: مؤسسه اعلمی للمطبوعات، ج ۲.
- طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۷۶). *تفسیر المیزان*، ترجمه: محمدباقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات حوزه علمیه قم، ج ۲۰.

- طباطبایی، سید محمدحسین (۱۴۱۷). *تفسیر المیزان*، ترجمه: محمدجواد حجتی کرمانی، قم: نشر بنیاد علمی و فرهنگی علامه طباطبایی، چاپ سوم، ج ۱۰، ۱۹ و ۲۰.
- طبرانی، سلیمان بن احمد (بی تا). *المعجم الصغیر*، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- طبرسی، ابوعلی فضل بن حسن (۱۳۷۹). *تفسیر مجمع البیان*، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ج ۵ و ۱۰.
- طریحی، فخرالدین بن محمد (۱۳۷۵). *مجمع البحرین*، تهران: کتاب‌فروشی مرتضوی، چاپ سوم.
- عاملی، علی بن یونس (۱۴۰۹). *الصراط المستقیم*، بی جا: مکتبه المرتضویه.
- عباسی مقدم، مصطفی (۱۳۷۹). *اسوه‌های قرآنی و شیوه‌های تبلیغی آنان*، قم: مؤسسه بوستان کتاب.
- فتوحی، محمود (۱۳۸۶). *بلاغت تصویر*، تهران: نشر جاوید، چاپ اول.
- فرخی، میثم؛ امینی صدر، امین (۱۳۹۳). «الگوی ارتباطی حضرت نوح (ع) در قرآن کریم»، در: *مطالعات قرآنی*، دوره ۵، ش ۱۹، ص ۴۳-۵۹.
- فضل الله، محمد حسین (۱۴۱۱). *من وحی القرآن*، بیروت: دار التعارف للمطبوعات، ج ۸.
- قرشی، سید علی اکبر (۱۳۷۱). *قاموس قرآن*، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- قندوزی حنفی، سلیمان بن ابراهیم (۱۴۱۶). *ینابیع الموده لذوی القربی*، قم: اسوه، ج ۱.
- متقی هندی، علاء الدین علی بن حسام (۱۴۱۶). *کنز العمال فی سنن الاقوال والافعال*، بیروت: مؤسسه الرساله، ج ۲ و ۱۲.
- مجلسی، محمدباقر (۱۳۸۵). *بحار الانوار*، تهران: صدوق، ج ۱ و ۱۱.
- محمدی اشتهااردی، محمد (۱۳۸۸). *قصه‌های قرآن*، قم: نبوی.
- مستوفی قزوینی، حمدالله (۱۳۸۳). *تاریخ گزیده*، تهران: امیرکبیر.
- مشکور، محمدجواد (۱۳۸۷). *فرهنگ معارف اسلامی*، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ج ۱۲.
- مصطفوی، حسن (۱۳۸۰). *تفسیر روشن*، تهران: مرکز نشر کتاب، چاپ اول، ج ۶.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۶). *تفسیر نمونه*، تهران: دار الکتب الاسلامیه، چاپ هشتم، ج ۹، ۲۳، ۲۴ و ۲۵.
- مولوی، جلال‌الدین (۱۳۷۶). *مثنوی معنوی*، تهران: امیرکبیر، چاپ دوازدهم.
- ناظرزاده کرمانی، فرهاد (۱۳۸۰). *نمادگرایی در ادبیات نمایشی*، تهران: سمت، ج ۱.

References

- Abbasi Muqaddam, Mustafa. 2000. *Koranic Paragons and Their Propagative Methods (Uswi-ha-yi Qurani va Shivi-ha-yi Tablighi-yi Anan)*. Qom: Bustan-i Kitab Institute. [in Farsi]
- Amili, Ali ibn Yunus. 1989. *The Straight Path (al-Sirat al-Mustaqim)*, n.p.: Maktaba al-Murtazawiyya. [in Arabic]
- Bahrani, Sayyid Hashim. 1994. *The City of Miracles (Madina al-Ma'ajiz)*. n.p.: The Institute of Islamic Knowledge. [in Arabic]
- Balaghi, Sadr al-Din. 2002. *The Stories of Koran (Qisas-i Quran)*. Tehran: Amirkabir Publications. [in Farsi]
- Dihkhuda, Ali Akbar. 1994. *Dihkhuda Dictionary (Lughatnami-yi Dihkhuda)*, Tehran: Tehran University Publications. [in Farsi]
- Farrukhi, Maisam, and Amini Sadr, Amin. 2014. "Noah (PBUH)'s Communicative Model in Koran (Ulgu-yi Irtibati-yi Hazrat-i Nuh dar Quran-i Karim)." In *Mutali'at-i Qurani (Koranic Studies)*, no. 19: 43-59.
- Fazlullah, Muhammad Hussein. 1991. *Min Wahy al-Quran Vol.8*. Beirut: Dar al-Ta'aruf lil-Matbu'at. [in Arabic]
- Futuhi, Mahmud. 2007. *The Eloquence of Image (Bilaghat-i Tafsir)*. Tehran: Javid Publications. [in Farsi]
- Hafiz Shirazi, Shams al-Din Muhammad. 2001. *The Collected Poetic Works of Hafiz (Divan-i Hafiz)*. Tehran: Ilmi Publications. [in Farsi]
- Hindi Muttaqi, Ala' al-Din Ali ibn Hisam. 1996. *Treasures of the Doers of Good Deeds (Kanz al-A'mal fi Sunan al-Aqwal wa-l- Afa'al) Vol. 2, 12*. Beirut: Mu'assisa al-Risala. [in Arabic]
- Husseinpour: Fatimi. 2017. "The Impact of the Change of Circumstances on Prophets' Propagative Methods: A Koranic Study (Ta'sir-i Taghyir-i Sharayit bar Ravish-ha-yi Tablighi-yi Anbiya dar Quran)." Diss., Mofid University. [in Farsi]
- Husseinizadi, Siyyid Abdulmajid. 2013. "Noah's Ark in Koran, Torah and Islamic and Jewish Traditions (Kashti-yi Nuh dar Quran, Tawrat va Rivayat-i Islami va Yahudi)." In *Pazhuhishnami-yi Tafsir and Zaban-i Koran (A Journal for The Interpretation and Language of Koran)*, no. 3: 55-70. [in Farsi]
- Ibn Kathir, Abdullah. 1991. *The Story of The Prophets (Qisas al-Anbiya') Vol. 1, 4*, researched by Dr. Abd al-Wahidi. Beirut: The Institute for Koranic Sciences. [in Arabic]

- Ibn Manzur, Muhammad ibn Mukarram. 1994. *The Arab's Tongue (Lisan al-Arab) Vol.1*. Beirut: Dar Sadir. [in Arabic]
- Javadi Tarshizi, Parisima, and Rastad Ilham. 2013. "Symbolization of Koranic Verses in Suhrawardi's Treatise *Qissa al-Ghurba al-Gharbiyyah (Nimadpardazi-yi Ayat-i Qurani dar Risali-yi Qissa al-Ghurba al-Gharbiyya Suhrawardi)*." <https://b2n.ir/030037>. [in Farsi]
- Koran. 1999. Translated by Nasir Makarim Shirazi. Tehran: Payam Idalat Publications. [in Arabic and Farsi]
- Majlisi, Muhammad Baqir. 2006. *Seas of Lights (Bihar al-Anwar) Vol. 1, 11*. Tehran: Saduq Publications. [in Farsi]
- Makarim Shirazi, Nasir. 1997. *An Exemplary Interpretation (Tafsir-i Nimuni) Vol. 23, 24, 25*. Tehran: Dar al-Kutub Islamiyyah. [in Farsi]
- Mashkur, Muhammad Javad. 2008. *A Dictionary of Islamic Knowledge (Farhang-i Ma'arif-i Islami)*. Mashhad: Islamic Research Foundation. [in Farsi]
- Muhammadi Eshtehardi, Muammad. 2009. *Koranic Stories (Qissi-ha-yi Qurani)*. Qom: Nabavi Publications. [in Farsi]
- Mustafavi, Hassan. 2001. *A Clear Interpretation (Tafsir-i Rawshan) Vol. 6*. Tehran: The Center for Publication of Books. [in Farsi]
- Mustawfi Qazvini, Hamdullah. 2004. *Select History of Hamdullah Mustawfi (Tarikh-i Guzidi-yi Hamdullah Mustawfi)*. Tehran: Amirkabir Publications. [in Farsi]
- Nazirzadi Kermani, Farhad. 2001. *Symbolism in Dramatic Literature (Nimadgarayi dar Adabiyat-i Namayishi)*. Tehran: Samt Publications. [in Farsi]
- Qanduzi Hanafi, Sulaiman ibn Ibrahim. 1996. *Yanabi' al-Mawadda li-Dhawi al-Qurba Vol.1*. Qom: Uswa Publications. [in Arabic]
- Qurashi, Siyyid Ali Akbar. 1992. *A Koranic Dictionary (Qamus-i Quran)*. Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyyah. [in Farsi]
- Qutb, Sayyid. 1956. *In The Shade of Koran (Dar Sayi-yi Quran)*. Translated by Ahmad Aram. Tehran: Ilmi Publications. [in Farsi]
- Raghib Isfahani, Hussein ibn Ahmad. 1992. *Al-Mufradat fi Qharib al-Quran*. Beirut: Dar al-Kutub Ilmiyyah. [in Arabic]
- Rumi. 1997. *Masnavi-yi-Ma'navi*. Tehran: Amirkabir Publications. [in Farsi]
- Sa'di, Muslih al-Din. 2013. *Gulistan*, Tehran: Ququnus Publications. [in Farsi]

- Saduq, Muhammad ibn Ali. 1984. *Perfection of the Religion and Completion of the Favor (Kamal al-Din wa-Tamam al-Ni'ma)*. Qom: The Publishing House of The Society of Seminary Teachers of Qom. [in Farsi]
- Saduq, Muhammad ibn Ali. 1984. *Uyun Akhbar al-Riza (AS)*, Beirut: Mu'assisa A'lami li-l-Matbu'at. [in Arabic]
- Shushtari, Marziyi. 2014. "A Study of Rumi's Educative Creativity in His Mystical Interpretation of the Koranic Story of Noah (PBUH) (Barrasi-yi Khallaqiyat-i Tarbiyati-yi Mawlana dar Tafsir-i Irfani-yi Qissi-yi Qurani-yi Hazrat-i Nuh)." In *Ravanshinasi-yi Tarbiyati (Educational Psychology)*, no. 13: 125-164. [in Farsi]
- Shushtari, Marziyi. 2014. "A Study of Rumi's Educative Creativity in His Mystical Interpretation of the Koranic Story of Noah (PBUH) (Barrasi-yi Khallaqiyat-i Tarbiyati-yi Mawlana dar Tafsir-i Irfani-yi Qissi-yi Qurani-yi Hazrat-i Nuh)." In *Ravanshinasi-yi Tarbiyati (Educational Psychology)*, no. 31: 125-134. [in Farsi]
- Suyuti, Jalal al-Din. 1984. *The Scattered Pearls: Inter-textual Exegesis (al-Dur al-Manthur fi al-Tafsir bi-l- Ma'thur)*. Qom: Maktaba Ayatollah al-Uzma Najafi al-Mar'ashi. [in Arabic]
- Tabarani, Sulaiman ibn Ahmad. n.d. *Al-Mu'jam al-Saghir*. Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyyah. [in Arabic]
- Tabarsi, Abu Ali Fazl ibn Hassan. 2000. *Tafsir Majma' al-Bayan Vol. 5, 10*. Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyyah. [in Arabic]
- Tabataba'i, Siyyid Muhammad Hussein. 1996. *Tafsir al-Mizan*. Translated by Muhammad Javad Hujjati Kermani, Qom: The Publishing House of Allami Tabataba'i Scientific And Cultural Foundation. [in Farsi]
- Tabataba'i, Siyyid Muhammad Hussein. 1997. *Tafsir al-Mizan Vol.20*. Translated by Muhammad Baghir Musavi Hamidani. Qom: Qom Islamic Seminary Publications. [in Farsi]
- Tarihi, Fakhr al-Din ibn Muhammad. 1996. *The Confluence of The Two Seas (Majma' al-Bahrain)*. Tehran: Murtazavi Book Shop. [in Farsi]